

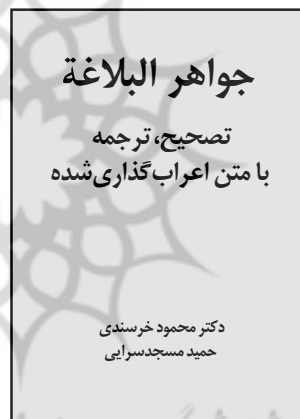
# نقد ترجمه کتاب جواهر البلاغة

کتاب‌های درسی دانشگاهی به دلیل مخاطبان خاص خود اهمیتی ویژه دارند و نگرارش این کتاب‌ها دقت فراوانی را می‌طلبد و کوتاهی و بی‌دقتی در تألیف چنین کتاب‌ها قابل چشم‌پوشی نیست. این نوشتار به نقد و بررسی کتاب *جواهر البلاغة: تصحیح*، ترجمه، با متن اعراب‌گذاری‌شده، تألیف دکتر محمود خرسندی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران، و حمید مسجدرایی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه سمنان، می‌پردازد. با وجود اینکه چاپ سوم کتاب در دسترس مخاطبان قرار گرفته است، هنوز لغزش‌های نگارشی و نگارشی فراوانی دارد. از آنجا که نگارش مطالب علمی، زمانی رو به کمال می‌رود که این مطالب نقد و بررسی شوند و نقاط قوت و ضعف آنها روشن گردد، نگارنده با این هدف به نقد این کتاب پرداخته است.

نگاهی به کتاب‌های چاپ‌شده در زمینه بلاغت عربی در بازار کتاب ایران، نشان می‌دهد که شیوه آموزش این علم، هنوز بر پایه بلاغت سنتی و حتی مثال‌های قدیم است و از بلاغت جدید و مثال‌های ملموس و امروزی در آنها خبری نیست. «در این کتاب‌ها از صناعتی همچون حس آمیزی، تشخیص، پارادوکس، تصویر پارادوکسی، آیرونی، آرکی تایپ، اسلوب معادله، نماد، موتیف، خوشه تصویری، آشنایی‌زدایی (غرابت) دیده نمی‌شود. این اصطلاحات که در سال‌های اخیر وارد تحلیل‌های بلاغی شده و از دیرباز در شعر وجود داشته، اما هنوز بلاغت مدرسی چندان به آن عنایتی ندارد و آنها را متعلق به قلمرو نقد ادبی می‌داند» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۱۰).

کتاب‌های *جواهر البلاغة*، تألیف احمد الهاشمی، *البلاغة الواضحة*، تألیف مصطفی امین و علی الجارم، *العلوم البلاغیة*، تألیف مصطفی غلابینی، *علوم البلاغة*، تألیف احمد مصطفی المرآغی و *بدایة البلاغة*، تألیف ابراهیم دیباجی (انتشارات سمت) در ایران بیشتر مورد توجه دانشگاهیان برای تدریس در دوره کارشناسی قرار گرفته است و از میان این کتاب‌ها، *جواهر البلاغة*

دکتر حسین یکانی\*



\* *جواهر البلاغة: تصحیح، ترجمه، با متن اعراب‌گذاری‌شده.*  
 \* *تصحیح و ترجمه: دکتر محمود خرسندی و حمید مسجدرایی.*  
 \* *چاپ اول، انتشارات حقوق اسلامی، ۱۳۸۴.*

## چکیده

بررسی وضعیت فعلی شیوه‌های سازماندهی مواد و محتوای درسی رشته‌های علوم انسانی در نظام آموزشی، نشان‌دهنده این است که این شیوه از جایگاه علمی مناسبی برخوردار نیست. نقد و بررسی کتاب‌های تخصصی علوم انسانی و بیان ویژگی‌ها و کاستی‌های آن، می‌تواند نقشی مؤثر در سازماندهی این کتاب‌ها داشته باشد. در این مقاله، بعد از مقدمه‌ای کوتاه در ضرورت توجه به نقد کتاب‌های درسی علوم انسانی و اهمیت درس بلاغت عربی، به‌ویژه کتاب *جواهر البلاغة* در رشته زبان و ادبیات عربی، کتاب *جواهر البلاغة*، تصحیح، ترجمه، با متن اعراب‌گذاری‌شده نقد و بررسی شده است.

**کلیدواژگان:** علوم انسانی، زبان و ادبیات عربی، بلاغت

عرب، جواهر البلاغة.

# بیشتر به خود خطب می‌کنید و علم‌ی جلوه

کلمه «تصحیح» در عنوان کتاب، توجه مخاطب را بیشتر به خود جلب می‌کند و کتاب را محققانه و علمی جلوه می‌دهد؛ ولی خواننده هر چه پیش می‌رود و صفحه‌ها را ورق می‌زند، نشانی از «تصحیح» نمی‌بیند؛ به گونه‌ای که با خواندن بخش اول کتاب و مقایسه آن با متن اصلی، کلمه «تصحیح» در عنوان کتاب بی‌ارزش جلوه می‌نماید و خواننده خودبه‌خود این سؤال را در ذهن تکرار می‌کند که به راستی آیا این کتاب تصحیح و ترجمه است، یا ترجمه و تلخیص؟! ولی در پایان، عنوان «ترجمه، حذف» را برای کتاب انتخاب می‌کند

برای کتاب انتخاب می‌کند، چون بین حذف و تلخیص، تفاوت از زمین تا آسمان است.

این تصحیح و ترجمه، بر پایه سخن مصححان و مترجمان در مقدمه کوتاهشان بر کتاب، برای نخستین بار در سال ۱۳۷۸ و برای دومین بار در سال ۱۳۸۰ روانه بازار شده است؛ اما به دلیل بدقولی ناشر اولی، در سال ۱۳۸۴ با تجدیدنظر توسط انتشارات حقوق اسلامی، در ۴۳۲ صفحه و با شمارگان ۴۰۰۰ نسخه به زور طبع آراسته شده است.

منطق حکم می‌کند کتاب‌هایی که زیر عنوان تصحیح و ترجمه نوشته می‌شود و متن اصلی آنها همراه متن ترجمه چاپ می‌گردد، ویراسته‌تر و دقیق‌تر از اصل کتاب باشد. در این گونه ترجمه‌ها وظیفه مصححان و مترجمان، حساس‌تر از دیگر ترجمه‌هاست. خواننده آگاه به هر دو زبان، خواه ناخواه به مقابله دو متن وسوسه می‌شود و می‌کوشد میزان انطباق و صحت این دو را بیابد. درباره کتاب حاضر، اگر خواننده به تطبیق اصل آن با ترجمه بپردازد، به این نتیجه خواهد رسید که کتاب با وجود سه دوره چاپ، توفیق چندانی نیافته و هنوز لغزش‌های نگارشی و نگرشی گریبانگیر کتاب است که بیان همه آنها، از حوصله این نوشتار خارج است. بنابراین برای پرهیز از طولانی شدن سخن، تنها به بخشی از آشفتگی‌ها و کاستی‌های بخش معانی کتاب اشاره می‌شود.

در صفحه شناسنامه کتاب (ص ۴)، عنوان کتاب با عنوان روی جلد هماهنگ نیست! در قسمت نام، کتاب این گونه معرفی شده است: «جواهر البلاغه: تصحیح، ترجمه با متن کامل اعراب‌گذاری شده». در عنوان روی جلد کلمه «کامل» نیامده است. همچنین بهتر بود جمله به این شکل نوشته می‌شد: «با اعراب‌گذاری کامل متن»، تا روان‌تر و سلیس‌تر و بامفهوم‌تر جلوه داده شود؛ و دیگر اینکه دکتر محمود خرسندی و حمید

به دلیل روشمند بودن، در آموزش بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

این کتاب با همه ویژگی‌های مثبتی که در آموزش بلاغت عربی دارد، خالی از اشکال نیست؛ لغزش‌های نگارشی و نگارشی و بی‌نظمی در بیان بعضی از مطالب و تکرار آنها، از برجسته‌ترین عیب‌های کتاب است، که نقد و بررسی آن از حوصله این نوشتار خارج است و خود مجال دیگری می‌طلبد. اما با وجود کاستی‌ها و لغزش‌ها، این کتاب هنوز از اقبال چشمگیری برخوردار است؛ به طوری که هر از گاهی با ظاهری آراسته از سوی ناشرین گوناگون به بازار عرضه می‌شود؛ ولی دریغ از یک بازنگری جزئی! به گونه‌ای که تجاری بودن کتاب بر علمی بودن کتاب برتری یافته است.

البته این مشکل ویژه کشورمان نیست و نگارنده با چند تن از استادان بلاغت در کشورهای عربی در این زمینه مکاتبه داشته است و آنان نیز به تجاری بودن کتاب جواهر البلاغه در کشورهای عربی اشاره داشتند؛ ولی تا کی باید این وضعیت گریبان‌گیر درس بلاغت عربی باشد؟! شاید کتاب جواهر البلاغه یا بهتر بگوییم، بلاغت عربی، منتظر جرجانی‌ای دیگر است تا بار دیگر یک ایرانی، به فریاد بلاغت عربی برسد؛ ولی این امر دور از انتظار است؛ چون ترجمه و شرح‌هایی از این کتاب وارد بازار شده است که این ادعا را بی‌اثر می‌کند. در هر حال، هر ساله کتاب‌هایی زیر عنوان شرح و ترجمه جواهر البلاغه چاپ و منتشر می‌شود که هر کدام به نوبه خود هدفی را دنبال می‌کنند.

از سال ۸۴ تاکنون روی ویتترین کتاب‌فروشی‌ها کتابی زیر عنوان جواهر البلاغه: تصحیح، ترجمه با متن اعراب‌گذاری شده، با جلدی رنگارنگ و همراه با نشان انتشارات حقوق اسلامی در بالای صفحه و نام مصححان و مترجمان (دکتر محمود خرسندی و حمید مسجدسرایبی) خود را نشان می‌دهد. این کتاب در بردارنده فهرست و مقدمه مترجمان، سخن مؤلف، سه بخش معانی، بیان و بدیع، و دو فهرست نام شاعران است. این کتاب ترجمه موازی جواهر البلاغه است؛ بدین معنی که هر صفحه از کتاب به دو بخش تقسیم شده است؛ بخش اول، متن اصلی کتاب به زبان عربی است و بخش دوم که با یک خط از متن اصلی جدا شده، ترجمه متن است. در هر صفحه، تلاش شده است تا ترجمه با متن عربی از نظر اندازه هماهنگ باشد.

کلمه «تصحیح» در عنوان کتاب، توجه مخاطب را بیشتر به خود جلب می‌کند و کتاب را محققانه و علمی جلوه می‌دهد؛ ولی خواننده هر چه پیش می‌رود و صفحه‌ها را ورق می‌زند، نشانی از «تصحیح» نمی‌بیند؛ به گونه‌ای که با خواندن بخش اول کتاب و مقایسه آن با متن اصلی، کلمه «تصحیح» در عنوان کتاب بی‌ارزش جلوه می‌نماید و خواننده خودبه‌خود این سؤال را در ذهن تکرار می‌کند که به راستی آیا این کتاب تصحیح و ترجمه است، یا ترجمه و تلخیص؟! ولی در پایان، عنوان «ترجمه، حذف» را

# جوواهر

قید کلمه «علم» آورده‌اند، در حالی که بهتر بود برای پابندی به متن اصلی، این تغییر انجام نمی‌شد.

پس از فهرست، در مقدمه مصححان و مترجمان نیز اصول اولیه مقدمه‌نویسی رعایت نشده است. خواننده در مقدمه انتظار دارد به هدف، روش کار و پیشینه ترجمه این کتاب اشاره شده باشد و کمترین چیزی که انتظار می‌رفت، این بود که با توجه به چاپ‌های فراوان *جوهر البلاغه*، به مشخصات کتابی که ترجمه کرده‌اند، اشاره می‌شد؛ ولی مقدمه این ترجمه چیزی جز یک اطلاع‌رسانی ساده و شکایت از ناشر پیشین نیست. بهتر این بود که مصححان و مترجمان روش کار خود، به‌ویژه دلیل حذف مطالب کتاب را بیان می‌کردند تا خواننده هنگام تطبیق اصل کتاب با ترجمه، دچار سردرگمی نشود.

در جایی از مقدمه، مترجمان درباره چاپ پیشین می‌نویسند: «**حاوی اغلاط** چاپی فراوان بود که در طول مدت تدریس، به نواقص کار پی بردیم و تصمیم بر این شد که با حوصله بیشتری، بار دیگر کتاب حاضر توسط مترجمان مورد بازخوانی قرار گیرد که به **حمد الله** این کار در فرصت **مقتضی** انجام شد». با وجود چنین لغزش‌های نگرشی و نگارشی، بعید به نظر می‌رسد که این بازخوانی انجام شده باشد.

بعد از مقدمه، به ترجمه سخن مؤلف کتاب *جوهر البلاغه*، احمد الهاشمی، می‌رسیم. مترجمان در این ترجمه از کلمات سره فارسی کمتر بهره جسته‌اند؛ مانند *مطلبها* (خواسته‌ها)، *دقائق* (ریزه‌کاری‌ها)، *رفع معالم ایجاز* (نشان دادن نشانه‌های ایجاز)؛ همچنین عبارت «*الاسلوب الحکیم*» را به «*اسلوب محکم*» ترجمه کرده‌اند که «*شیوه حکیمانه*» معادل درست‌تری برای این عبارت است. افزون بر این، زیرنویس مقدمه، که دلالت معنایی برخی از کلمات داخل گیومه را نشان می‌دهد، حذف شده است. زیرنویس به این نکته اشاره دارد که کلمات «*الأسلوب الحکیم*»، «*السعادة الأبدية*»، «*جوهر البلاغه*»، «*میزان الذهب*»، «*جوهر الأدب*» و «*المفرد العلم*» که در متن به معنای لغوی آنها توجه شده، در اصل، نام کتاب‌های مؤلف، احمد الهاشمی، است، بنابراین می‌بایست در ترجمه، این عبارتها با خط درشت‌تر و در داخل گیومه قرار می‌گرفت. مترجمان به جز کلمه «*الأسلوب الحکیم*»، بقیه را در گیومه قرار داده‌اند؛ ولی اندازه خط متفاوت نیست.

اگر بخواهیم تک تک صفحه‌های کتاب را بررسی کنیم

مسجدسرایبی به عنوان مؤلف معرفی شده‌اند و این در حالی است که مؤلف کتاب، احمد الهاشمی است و می‌بایست نام مصححان و مترجمان بعد از «نام» می‌آمد.

در همین صفحه، در قسمت کتاب‌شناسی، با توجه به اینکه کتاب تصحیح و ترجمه است، کلمه «تصحیح» حذف شده است؛ همچنان که این صفحه خالی از لغزش نگارشی در کلمه «*فیالمعانی*» نیست.

فهرست کتاب بر اساس عنوان‌های ترجمه تنظیم شده است. درباره این فهرست بیان چند نکته ضروری است: اول اینکه بعضی از عنوان‌های ترجمه در فهرست وجود ندارد. با نگاهی به فهرست و متن ترجمه، این آشفتگی و پریشانی و بی‌نظمی به روشنی دیده می‌شود. برای نمونه، در بحث فصاحت کلمه، فقط «*غرابت استعمال*» در فهرست بیان شده و اشاره‌ای به دیگر عیب‌های فصاحت کلمه نشده است. همچنین در تقسیم کلام به خبر و انشاء و مبحث استفهام و معرفه ساختن مسندالیه به ال و... این اشکال یافت می‌شود. دیگر اینکه کتاب *جوهر البلاغه* هر سه بخش کتاب را با نام «*علم المعانی*» و «*علم البیان*» و «*علم البديع*» معرفی می‌کند؛ ولی مصححان و مترجمان فقط «*علم بدیع*» را با

یکی از وظیفه‌های مترجم،

امانتداری در ترجمه است؛ ولی مترجمان

این امر را رعایت نکرده‌اند و بی آنکه در

مقدمه دلایلی را برای حذف مطالب ارائه

دهند، برخی مطالب را به دلخواه حذف

کرده‌اند، که وجود تعداد فراوانی از آنها،

برای فهم کتاب ضروری به نظر می‌رسد

وظیفه‌های مترجم  
امانتداری در  
برخی مطالب را  
برای فهم کتاب  
ضروری به نظر می‌رسد

# البلاغه

حذف شده است، که این حذف مشکلاتی را برای فهم مطالب کتاب ایجاد می‌کند. این گونه حذف‌ها در کتاب فراوان یافت می‌شود. برای نمونه، کافی است به زیرنویس بحث توریه و طباق، که اقسام توریه و طباق را توضیح می‌دهد، مراجعه شود تا خللی به وجود آمده در کتاب روشن شود.

مشکل دیگر این است که روش واحدی بر حذف موضوعات کتاب حاکم نیست. حدود ۸۰٪ تطبیق‌های کتاب حذف شده است (صص ۲۱/۱۹ / ۵۱ / ۵۳ / ۵۷ / ۶۷ / ۷۹ / ...). و ۲۰٪ باقی مانده است که آنها را یا بدون جواب آورده‌اند یا در موارد اندکی جواب تطبیق‌ها را بیان کرده‌اند (صص ۹۳ / ۱۰۹ / ۱۷۰ / ۱۷۲). این در حالی است که هدف از آوردن تطبیق این است که دانشجو بعد از فراگرفتن مطلب، به سؤال‌ها جواب دهد، سپس جواب خود را با جواب کتاب تطبیق دهد. نشانی بعضی از موارد حذفی کتاب عبارت است از: صص ۱۳، ۱۸، ۱۹، ۲۸، ۳۳، ۵۰، ۵۱، ۵۴، ۵۷، ۶۷، ۷۵، ۱۰۸، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۵۱ و ...

برای بیان حذف‌های فراوان کتاب ذکر این مطلب کافی است که اصل کتاب به زبان عربی ۴۲۸ صفحه است، ولی کتاب تصحیح و ترجمه که با متن اصلی همراه است، ۴۳۲ صفحه است. «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل».

اشکال دیگر در موارد حذفی کتاب این است که گاهی مواقع متن عربی در کتاب حذف شده، ولی آن قسمت ترجمه شده است (ص ۱۳) و یا اینکه در متن ترجمه کلماتی از قلم افتاده است (صص ۱۵-۱۴، اعراف / ۱۷).

همچنان که اشاره شد، کلمه «تصحیح» در عنوان کتاب مناسب نیست و به یقین می‌توان گفت که مصححان و مترجمان به تصحیح کتاب جواهر البلاغه نپرداخته‌اند. گویا مترجمان اصل کتاب را در اختیار ماشین‌نویس قرار داده‌اند تا متن عربی را ماشین کند، بدون اینکه متن را تصحیح کنند. دلیل این ادعا این است که لغزش‌های نگارشی و نگرشی در کتاب، همان لغزش‌های اصل کتاب است؛ به عنوان نمونه، در صفحه ۲۰ تمرین «ا» در اصل کتاب می‌بایست در تمرین‌های فصاحت کلام عنوان می‌شد، که به اشتباه در مبحث فصاحت کلمه مطرح شده است، و همچنین تمرین «ب» که درباره کلام فصیح از غیرفصیح است، باید در درس بعد قرار می‌گرفت؛ ولی مصححان به این نکته توجه نکرده‌اند. همچنین تمرین صفحه ۱۸۴ «تمرین آخر»

و اشکال‌های آن را برشمریم، سخن به درازا کشیده می‌شود. بنابراین برای پرهیز از طولانی شدن کلام، به اشکال‌های کلی کتاب اشاره و به بیان چند نمونه از هر مورد بسنده می‌شود.

یکی از وظیفه‌های مترجم، امانتداری در ترجمه است؛ ولی مترجمان این امر را رعایت نکرده‌اند و بی آنکه در مقدمه دلایلی را برای حذف مطالب ارائه دهند، برخی مطالب را به دلخواه حذف کرده‌اند، که وجود تعداد فراوانی از آنها، برای فهم کتاب ضروری به نظر می‌رسد:

در ابتدای بخش معانی، دو صفحه به عنوان «تمهید» در اصل کتاب وجود دارد که مترجمان آن را حذف کرده‌اند.

قسمت «تنبیها» و «زیرنویس»‌های کتاب حذف شده است. کتاب جواهر البلاغه، کتابی آموزشی است و قسمت «تنبیها» به هدف جمع‌آوری و یادآوری مطالب و اشاره به نکته‌های مهم درس آورده شده است؛ ولی مترجمان نزدیک به ۹۰٪ این تنبیها را حذف کرده‌اند. درست است که بعضی از این تنبیها، به‌ویژه در قسمت بیان، تکراری است؛ ولی مصححان می‌توانستند موارد تکراری را حذف و مطالب سودمند آن قسمت را باقی گذارند.

از زیرنویس‌های کتاب هیچ اثری در ترجمه نیست و تمام آنها

**کلمه «تصحیح» در عنوان کتاب مناسب**

**نیست و به یقین می‌توان گفت که**

**مصححان و مترجمان به تصحیح کتاب**

**جواهر البلاغه نپرداخته‌اند. گویا مترجمان**

**اصل کتاب را در اختیار ماشین‌نویس قرار**

**داده‌اند تا متن عربی را ماشین کند، بدون**

**اینکه متن را تصحیح کنند. دلیل این ادعا**

**این است که لغزش‌های نگارشی و نگرشی**

**در کتاب، همان لغزش‌های اصل کتاب است**

**کلمه «تصحیح»**

**در عنوان کتاب**

**مناسب نیست**

**و به یقین**

**می‌توان گفت که**

# جواهر

ص ۱۱۳، ۸ متن کتاب: بیت زیر شاهد مثال نیست:  
و أخذت ما جاء الأمير به  
و قضيت حاجاتي كما أهوى

ص ۱۱۴، ۷ متن کتاب: جمله «من لم يدر حقيقة الحال  
قال ما قال» شاهد مثال نیست.

ص ۱۲۵، ۱ متن کتاب: بیت زیر شاهد مثال نیست:  
أبعد المشيب المنقضي في الذوائب  
تحاول وصل الغايات الكواعب

نمونه این اشتباهها در کتاب *جواهر البلاغة* فراوان یافت می‌شود که متأسفانه مصححان محترم بدون هیچ گونه دقتی، همین لغزش‌ها را تکرار کرده‌اند.

تصحیح نکردن علامت‌های سجاوندی کتاب کاملاً مشهود است. چون نمونه این مورد زیاد است، خواننده را به مقایسه چند صفحه از اصل کتاب با ترجمه ارجاع می‌دهیم.

مصححان و مترجمان اسلوب واحدی را در استفاده از علامت‌ها برای آیه‌های قرآنی و شاهد مثال‌ها برنگزیده‌اند و کار را به سلیقه ماشینی نویس واگذاشته‌اند. کتاب از این جهت بسیار پریشان است؛ مثلاً بعضی از آیه‌های قرآنی و شاهد مثال‌ها در متن عربی با حروف درشت‌تر از متن اصلی نوشته شده و اعراب‌گذاری آن کامل است؛ ولی در ترجمه، اندازه خط با متن یکسان است و

مربوط به درس بعد (مبحث فصل) است که تصحیحی در آن صورت نگرفته است.

اشتباه‌های اصل کتاب در جاهای زیادی در متن ترجمه تکرار شده است؛ مثلاً در ص ۳۶ ترجمه آمده است: «واضع علم معانی، عبدالقادر جرجانی است»؛ در حالی که درست آن، «عبدالقاهر جرجانی» است. این اشتباه دقیقاً در اصل کتاب (ص ۴۷) آمده است. در صفحه ۲۰ ترجمه، کلمه «لوط» در بیت زیر چنین اعراب‌گذاری شده است:

رمتنی می بالهوی رمی ممضع  
من الوحش لوط لم تعفه الاوالس

و همین بیت در صفحه ۲۱ چنین اعراب‌گذاری شده است:

رمتنی می بالهوی رمی ممضع  
من الوحش لوط لم تعفه الاوالس

همین اشکال در اصل کتاب صص ۱۵ و ۱۷ وجود دارد.

در صفحه ۲۲، در جمله «ما الشمس؟ فيجاب بأنه كوكب نهاری» که صحیح آن «بأثها» است، همین اشکال در اصل کتاب دیده می‌شود. برای پرهیز از طولانی شدن، در زیر به نمونه‌های اندکی از موارد تصحیح‌نشده اشاره می‌شود:

ص ۱۳۲، ۹ متن کتاب: قراءه «يُسبَح» مورد نظر است.

ص ۱۳۳، ۹ متن کتاب: رَمِيَّة من غير رام أي هذه رمية، مربوط به بحث مسندالیه است.

ص ۱۳۶، ۷ متن کتاب: عبارت «الكامل الوطنية» اشتباه است و درست آن «الكامل في الوطنية» است. در همین صفحه، سطر ۱۰ متن کتاب، «لقصد ارادة العهد» با توجه به توضیح کتاب اشتباه است و «لعدم ارادة العهد» درست است.

ص ۱۴۴، ۴ متن کتاب: مثال «تلك عشرة كاملة» شاهد مثال نیست.

ص ۱۴۶، ۱۰ متن کتاب: «... لكن منصور» ناقص است و درست آن «ما جاء نصر لكن منصور» است.

ص ۱۴۷، ۱ متن کتاب: «الإيهام» غلط است؛ الإيهام درست است.

ص ۱۹۹، ۳ متن کتاب این جمله آمده است: «البلاغة ايجاز»؛ ولی مصححان جمله را چنین تصحیح کرده‌اند: «البلاغة هو الإيجاز». جمله در اصل کتاب اشکالی ندارد؛ ولی مترجمان اشکال ایجاد کرده‌اند.

**چون متن اصلی کتاب فهرست آیه‌ها و نام‌ها و اشعار ندارد و خواننده برای دست‌یابی به هر موضوع باید تمامی کتاب را جست‌وجو کند تا به مطلوب خود دست یابد، به مصححان و مترجمان پیشنهاد می‌شود ضمن رعایت شیوه مناسب بر موارد حذفی کتاب و بازنگری دقیق در متن و ترجمه کتاب، فهرستی از آیه‌ها، نام‌ها و اشعار در آخر کتاب اضافه کنند.**

چون متن اصلی  
آیه‌ها و اشعار  
نام‌ها و اشعار  
حذفی در کتاب  
فهرستی از آیه‌ها،  
نام‌ها و اشعار  
در آخر کتاب  
اضافه کنند.

# ابلاغت

جلوی نام آنها نیامده و این گمان حاصل می‌شود که شاید نام این شاعران و نویسندگان در کتاب نباشد.

– چرا این فهرست بعد از بخش معانی و بدیع آمده است؟ آیا در بخش بیان، نام شاعری نیست؟ با یک توضیح در مقدمه، این ابهام از بین می‌رفت.

– بهتر بود به جای «فهرست اعلام شعراء» عبارت «فهرست نام شاعران» نوشته می‌شد تا به فارسی نزدیک‌تر باشد.

– شیوة یکسانی در نگارش نام شاعران و نویسندگان دیده نمی‌شود. این شیوه گاهی عربی و گاهی فارسی است؛ مانند: خنساء، ص ۲۳۰ و الخنساء، ص ۴۲۸، شیخ عبدالقاهر جرجانی، ص ۲۲۷ و الشیخ عبدالقاهر، ص ۴۲۹، زهیر، ص ۴۲۹ و زهیر بن ابی سلمی، ص ۲۲۹، ابوالعلاء معری، ص ۲۲۷ و ابوالعلاء المعری، ص ۴۲۶، شوقی بک، ص ۲۲۸ و شوقی احمد، ص ۴۳۲ و...

– این فهرست در متن عربی کتاب دیده نمی‌شود و مصححان و مترجمان محترم می‌بایست در مقدمه به این نکته اشاره می‌کردند.

متن از نظر لغزش‌های نگارشی بسیار پریشان است و همچنین ترجمه تحت‌اللفظی بر بیشتر زندگینامه‌های شاعران حاکم است. – اگر سال تولد و وفات مشخص نباشد، بر اساس قواعد روش تحقیق علامت «؟» گذاشته می‌شود؛ ولی در این فهرست علامت «...» گذاشته شده است.

– سال وفات ابوهلال عسکری فقط به میلادی نوشته شده است (۱۰۰۵ م) و این در حالی است که این گونه نویسندگان به سال قمری شناخته می‌شوند.

– نام بعضی از شاعران و نویسندگان در کتاب آمده است؛ ولی در فهرست نیست؛ مانند حجل بن نصله القیسی، ص ۴۸، ابوالهمیسع، ص ۱۶، جمیل، ص ۱۷، ابن جحدر، ص ۲۱، الشریف الرضی، ص ۴۳، حصر بن جؤبة، ص ۵۵، ابن اب السمط، ص ۱۲۰ و...

اشکال‌های فراوانی در این فهرست یافت می‌شود که به نقدی جداگانه نیاز دارد. باشد که مصححان و مترجمان محترم در چاپ‌های بعدی دقت بیشتری کنند.

نکته‌ای که در پایان این نوشتار به آن اشاره می‌رود، این است که چون متن اصلی کتاب فهرست آیه‌ها و نام‌ها و اشعار ندارد و خواننده برای دست‌یابی به هر موضوع باید تمامی کتاب

اعراب‌گذاری نشده است؛ و یا بر عکس، در متن آیه یا شاهد مثال اعراب‌گذاری نشده، ولی در زیرنویس اعراب‌گذاری شده است. موارد چنین اشتباه‌هایی فراوان است؛ برای نمونه، به صص ۱۶، ۱۷، ۲۷، ۴۲، ۷۶، ۷۷، ... مراجعه شود. این مورد در همه شاهد مثال‌ها و آیه‌های بخش بدیع دیده می‌شود.

گاهی در متن اصلی شماره‌گذاری‌ها با حروف ابجدی است؛ ولی در زیرنویس با عدد نوشته شده است (ص ۶۸).

در نگارش «همزه»، «ة گرد»، «ی نقطه‌دار» و «الف مقصور»، اسلوب واحدی بر کتاب حاکم نیست، که این خود مشکل زیادی در خواندن متن عربی ایجاد کرده است.

مصححان و مترجمان در پایان بخش معانی و بدیع «فهرست اعلام شعراء» را آورده‌اند، که این فهرست نیز جای اشکال است، که در زیر به مهم‌ترین آن اشاره می‌شود:

– فهرست بر اساس سال وفات یا الفبا تنظیم نشده است.

– موارد تکراری در هر دو فهرست وجود دارد.

– این فهرست فقط مخصوص شاعران نیست؛ بلکه نام اکثم بن صیفی، جذیمة الأبرش، قدامة بن جعفر، ابن رشیق قیروانی، خطیب قزوینی، حریری، عبدالقاهر جرجانی، ابن درید، ابن سیده و... نیز در آن یافت می‌شود.

– شماره صفحاتی که این شاعران در آن ذکر شده‌اند، در

نگاهی به کتاب‌های چاپ‌شده در زمینه

بلاغت عربی در بازار کتاب ایران، نشان

می‌دهد که شیوة آموزش این علم، هنوز بر

پایه بلاغت سنتی و حتی مثال‌های قدیم

است و از بلاغت جدید و مثال‌های ملموس

و امروزی در آنها خبری نیست

نگاهی به  
کتاب‌های  
چاپ‌شده در  
زمینه بلاغت  
عربی در بازار  
کتاب ایران  
نشان می‌دهد که  
شیوة آموزش  
این علم هنوز بر

**کتاب‌های جواهر البلاغة، تألیف احمد الهاشمی، البلاغة الواضحة، تألیف مصطفى امين و علي الجارم، العلوم البلاغية، تألیف مصطفى غلايينی، علوم البلاغة، احمد مصطفى المراغي و بداية البلاغة، تألیف ابراهيم ديباجی در ايران بیشتر مورد توجه دانشگاهیان برای تدریس در دوره کارشناسی قرار گرفته است و از میان این کتاب‌ها، جواهر البلاغة به دلیل روشمند بودن، در آموزش بیشتر مورد توجه قرار گرفته است**

را جست‌وجو کند تا به مطلوب خود دست یابد، به مصححان و مترجمان پیشنهاد می‌شود ضمن رعایت شیوه مناسب بر موارد حذفی کتاب و بازنگری دقیق در متن و ترجمه کتاب، فهرستی از آیه‌ها، نام‌ها و اشعار در آخر کتاب اضافه کنند. و همچنین پیشنهاد می‌شود کتاب به ویراستار سپرده شود تا بخشی از اشکال‌ها برطرف گردد.

در زیر به نمونه‌های اندکی از لغزش‌های نگارشی و نگارشی کتاب اشاره می‌شود؛ باشد که مصححان و مترجمان محترم در چاپ‌های بعدی دقت بیشتری به کار برند:

ص ۱۳، سطر ۱: فصیح اللّٰحان = فصیح اللسان.

ص ۱۳: نبودن زیرنویس در مورد تنافر حروف، مطلب را اشتباه به خواننده می‌رساند.

ص ۱۴ سطر ۹: جمله «لأنّ المعول عليه في ذلك إستعمالهم» ترجمه نشده است.

ص ۱۴: بچرد = بچرد.

ص ۱۵: بدون هیچ دلیلی جمله «و ذلك في الألفاظ المشتركة» درشت نوشته شده است (نیز ر. ک: سطر ۳، و ص ۱۷ سطر ۴، ۶ و ۷، و ص ۳۲ سطر ۶ متن اصلی و همچنین ص ۱۲۳ سطر ۱۲ متن اصلی).

ص ۱۸ و ۱۹: حذف مطالب زیرنویس راهنمای خوبی برای فهم مطلب است، که حذف شده است.

ص ۳۱: «بلاغت، در لغت یعنی رسیدن و وصول و رسا بودن». در ترجمه «البلاغت لغة: الوصول و الانتهاء» معنای لغوی، رسا بودن، مطرح نیست.

ص ۳۵: «من حيث إفادته المعاني الثواني». در این قسمت دو نکته قابل تصحیح است؛ اول اینکه اعراب «إفادته» غلط است و دوم اینکه پاورقی به توضیح معانی اولیه و ثانویه می‌پردازد،

ولی مصححان و مترجمان زیرنویس را حذف کرده‌اند. همچنین است ص ۳۶ زیرنویس به بررسی جمله‌های رئیسیه غیر رئیسیه می‌پردازد، که حذف شده است.

ص ۵۴: در کتاب جواهر البلاغة در پاورقی، عبارت «مع الاختصار» توضیح داده شده است، که حذف آن باعث اخلاص در معنی شده است.

ص ۲۵: عبارت «لازم الجوار» در ترجمه «بین الكلمات التي يجب أن تتجاوز و تتصل بعضها ببعض» آمده است، که بهتر بود از عبارت فارسی استفاده می‌شد.

ص ۷۳: در سطر ۷ شماره آیه نوشته نشده، در صورتی که در ترجمه شماره آیه آمده است. همچنین است صفحه ۱۱۱، سطر ۴. ص ۷۵: پاورقی آن درباره استفهام انکاری و توییخی است، که حذف شده است.

ص ۹۵: هیچ تصحیحی در «تطبيق عام على الباب الثاني» صورت نگرفته و مطلب کپی از متن اصلی است، بدون آنکه لغزش‌های نگارشی و نگارشی آن تصحیح شود؛ برای نمونه، ص ۹۶، سطر ۲: «ضلام» = ظلام، سطر ۶: «المسنداليه محذوفان» که درست آن چنین است «المسند و المسنداليه محذوفان»، ص ۹۷، سطر ۱۴ چند جمله آخر سطر حذف شده و همچنین در تطبیق عام صص ۱۵۳، ۱۷۴ و ۱۷۵ هیچ‌گونه تصحیحی صورت نگرفته است.

ص ۱۰۷، سطر ۱۰: عبارت «این روایت» در ترجمه «كقوله عليه الصلاة والسلام» آمده است و همچنین اعراب‌گذاری در زیرنویس وجود ندارد.

در پایان سخن، تلاش استادان بزرگوار را در ترجمه کتاب جواهر البلاغة باید ستود. ایشان با توجه به اشکال‌های کتاب جواهر البلاغة قدم به این عرصه گذاشتند و راه را برای ترجمه و تصحیح بهتر کتاب هموار کردند. بیان برخی از کاستی‌ها که در مقاله به آن اشاره شد، دلیل بر نبود نکات مثبت و ارزشمند، به ویژه در ترجمه اشعار، نیست.

**پی‌نوشت**

\* عضو هیئت‌علمی دانشگاه شیراز.

**کتابنامه**

- خرسندی، محمود و مسجدسرای، حمید، ۱۳۸۴، جواهر البلاغة: تصحیح، ترجمه با متن اعراب‌گذاری شده. چاپ اول، قم: انتشارات حقوق اسلامی.
- فتوحی، محمود، ۱۳۸۶، «نگاهی انتقادی به مبانی نظری و روش‌های بلاغت سنتی». ادب‌پژوهی، فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان، سال اول، شماره سوم.
- الهاشمی، احمد، ۱۴۱۰هـ.ق، جواهر البلاغة. چاپ دوم، مکتب الأعلام الإسلامی.